اخبار

قالیباف:

کُشتی، غرور ملی را تقویت کرد

محمدباقر قالیباف دیروز یکشنبه ۱۳ مهرماه در مراسم تقدیر از تیم‌های ملی کشتی فرهنگی و آزاد در صحن مجلس شورای اسلامی در سخنانی گفت: «خوشحالم که امروز ورزشکاران و کشتی‌گیران ما در آغاز جوانی سربازی کردند، پا در میدان گذاشتند، پرچم پرافتخار ایران را در این روزهای حساس به اهتزاز درآوردند و مورد احترام همه ملت ایران قرار گرفتند».

رئیس مجلس همچنین تصریح کرد: «من این جمله را در رسانه‌ها از برادر عزیزم دبیر شنیدم که گفت کشتی ما مثل توان موشکی ما است یعنی ثابت کردیم «ما می‌توانیم»؛ شک نکنید در همه عرصه‌ها اگر با این روحیه در میدان پا بگذاریم، سنت الهی است و خدا به ما وعده پیروزی در آن مسیر داده است».

عراقچی:

رابطه با اروپا مثل گذشته نخواهد بود

وزیر امور خارجه دیروز پس از سخنرانی در جمع سفرا، کارداران و روسای نمایندگی‌های خارجی و بین‌المللی مقیم تهران، با حضور در جمع خبرنگاران در پاسخ به سوالی درباره ادامه همکاری با ۳ کشور اروپایی تأکید کرد هیچ راه‌حلی جز راه‌حل دیپلماتیک و مذاکره برای برنامه هسته‌ای ایران وجود ندارد.

از نظر عراقچی: «دیپلماسی همیشه هست اما پرسش این است که در چه شرایطی، با چه طرف‌هایی و بر پایه چه موازنه‌ای ادامه پیدا کند. اکنون شرایط نسبت به گذشته کاملاً متفاوت است. ۳ کشور اروپایی به وضوح نقش خود را در فرآیند دیپلماتیک تضعیف کردند و توجیه مذاکرات با خود را تا حد زیادی از دست داده‌اند.

در هرگونه راه‌حل مذاکره‌محور آینده، نقش اروپا به مراتب کمرنگ‌تر از گذشته خواهد بود». وی در پایان تصریح کرد: «جمهوری اسلامی ایران برای دستیابی به یک راه‌حل مذاکراتی منصفانه و متعادل تلاش کرده است اما این کشورهای غرب بودند که به دلیل درخواست‌ها و مطالبات زیاده‌خواهانه و غیرمعقول خود، به این تلاش‌ها پاسخ منفی دادند».

باهنر:

تصویب سی‌اف‌تی هزینه‌ها را کم می‌کند

محمدرضا باهنر در یک نشست درباره چگونگی تصویب سی‌اف‌تی گفت: «افرادی داشتیم که از روز اول مخالف پیوستن به CFT بودند؛ تا پریروز هم مخالف بودند اما افرادی را داشتیم که مخالف بودند اما بعد قانع شدند؛ این بحث‌ها برای اقناع بود.

برخی می‌گویند چرا ۸ سال قبل این را تصویب نکردید؟ این مباحث نیاز به بحث و استدلال و اقناع دارد». دبیرکل جامعه اسلامی مهندسین با توضیح نظرات مخالفان تصریح کرد: «ما ادعا نداریم سی‌اف‌تی مشکل تحریم‌ها را حل خواهد کرد اما تحریم‌ها اکنون یکسری هزینه‌های اضافی به ما تحمیل می‌کند». از نظر باهنر، اگر به CFT بپیوندیم، هزینه ایران و کشورهایی که در این شرایط می‌خواهند با کشور کار اقتصادی کنند، کاهش پیدا خواهد کرد.

میدل‌ایست‌مانیتور:

جنگ بعد ایران و اسرائیل خاورمیانه را نابود می‌کند

وب‌سایت خبری - تحلیلی میدل‌ایست مانیتور در گزارشی به ارزیابی احتمالات محیطی پس از جنگ احتمالی مجدد ایران و اسرائیل اشاره و تصریح کرد توانایی غافلگیرکننده موشک‌های هایپرسونیک ایرانی فتاح توانست نرخ موفقیت سامانه‌های پدافندی اسرائیل را از ۹۰ به ۶۵ درصد کاهش دهد. این یعنی در یک جنگ تمام‌عیار، تعداد انبوه موشک‌های ایرانی می‌تواند حتی پیشرفته‌ترین سیستم‌های دفاعی اسرائیل مانند پیکان ۳ و فلاخن داوود را نیز کم‌اثر کرده و خسارات سنگینی به بار آورد.

این گزارش همچنین آورده است: «ایران دریافته حمله انفرادی کافی نیست و در دور بعدی جنگ، احتمالاً از تمام نیروهای نیابتی خود مانند حزب‌الله لبنان و گروه‌های شبه‌نظامی سوریه و عراق برای گشودن چندین جبهه همزمان علیه اسرائیل استفاده خواهد کرد که این سناریو، کابوسی برای تل‌آویو است».

اعتراض رسمی ایران به همسایگان درباره پرواز پهپادها

فرمانده مرزبانی جمهوری اسلامی ایران، همزمان با سومین روز هفته گرامیداشت فراجا در یک نشست خبری گفت: «در جریان جنگ ۱۲ روزه، متأسفانه برخی کشورهای همسایه اجازه پرواز پهپادها، موشک‌ها و ریزپرنده‌های دشمن را در آسمان خود دادند که ما این موارد را مستند کرده و به صورت رسمی اعتراض خود را اعلام کردیم. همسایگان ما نباید اجازه دهند رژیم کودک‌کش و جنایتکار از خاک یا آسمان آنان علیه جمهوری اسلامی ایران اقدام کند».

سردار احمدعلی گودرزی با اشاره به نقش مردم در تأمین امنیت کشور تصریح کرد: «تاب‌آوری و آستانه تحمل مردم عزیزمان بویژه در شرایط سخت و بحران‌ها بسیار بالا رفته است. در جریان جنگ ۱۲ روزه نیز شاهد بودیم ملت ایران با شجاعت، بصیرت و همراهی خود از امنیت پایدار کشور حمایت کرد».

فرمانده مرزبانی با بیان اینکه ایران ۸۷۵۵ کیلومتر مرز آبی و خشکی با ۱۵ کشور دارد، افزود: «جمهوری اسلامی ایران از نظر تعداد همسایگان، پس از روسیه و چین، در رتبه سوم جهان قرار دارد. مرزبانان کشور بر اساس حکم قانون وظیفه استیفای حقوق مرزنشینان را برعهده دارند و ما بر خود فرض می‌دانیم این حقوق را با دقت و جدیت پیگیری کنیم».

رژیم صهیونیستی چگونه تلاش می‌کند افکار عمومی ایرانیان را دستکاری کند؟

جنگ بایت‌ها و روایت‌ها

۱۶ مارس ۲۰۱۲، ۱۰ روز پس از آنکه نتانیاهو ادعا کرد برای مقابله با برنامه هسته‌ای ایران، «همه گزینه‌ها روی میز است»، «رونی اِدری» تصویر خودش و دخترش را که یک پرچم اسرائیل در دست گرفته بود، در فیسبوک منتشر کرد و زیرش نوشت: «اسرائیل عاشق ایران است». هشتگ این گرافیست اسرائیلی ناگهان در فیسبوک چرخید و صدها نفر رو به دوربین گفتند ما نمی‌خواهیم کشور شما را بمباران کنیم. بی‌بی‌سی فارسی این کمپین را «بمب عشق» نامید و مدعی ریشه‌های تاریخی مشترک ایران و اسرائیل شد(!) ۲ فروردین ۱۳۹۱/ مارس ۲۰۱۲، پوسترهای کمپینی روی ۷۰ اتوبوس در تل‌آویو نصب و پروژه‌هایی مانند «ایرانی‌ها در تل‌آویو» راه‌اندازی شد که تصاویر اسرائیلی‌ها و ایرانی‌ها را در کنار هم نشان می‌داد. ۶ سال بعد، گرافیست اسرائیلی در یک مصاحبه گفت «همه فکر می‌کنند کار ما یک پروژه سیاسی بوده است». هشتگ آقای گرافیست دفعات دیگری با تعابیر و کلمات متفاوتی در شبکه‌های اجتماعی فراگیر شد اما این بار کاملاً اثبات شد اسرائیل در پی دستکاری افکار عمومی ایرانیان است. روز جمعه آزمایشگاه داده‌های شبکه‌های اجتماعی وابسته به دانشگاه تورنتو در گزارشی مشترک با هاآرتص از تولید حساب‌های جعلی در ایکس فارسی خبر داد. این حساب‌ها اگرچه در سال ۲۰۲۳ ساخته شده بودند اما در ایام جنگ ۱۲ روزه به کار گرفته شدند تا همگام با حملات نظامی اسرائیل، با محتواهای تفرقه‌ساز اجتماعی و تضعیف‌کننده سیاسی، مخاطبان را دعوت به آشوب علیه نظام سیاسی کنند اما ماجرای راه‌اندازی کمپین برای انحراف ذهن ایرانیان مربوط به امروز و دیروز نیست.

■ هوش مصنوعی در خدمت دروغ و دغل

یک هفته پس از حمله رژیم صهیونیستی به ایران، سرویس راستی‌آزمایی بی‌بی‌سی در گزارشی، از یک کمپین بزرگ اطلاعات نادرست و اخبار جعلی پرده برداشت. این کمپین بر اساس حساب‌های کاربری ایکس که در حوزه اطلاعات نظامی محتوا تولید می‌کنند، بنا شده بود. این حساب‌ها عمدتاً از تصاویر قدیمی یا ویدئوهای تولیدی هوش مصنوعی استفاده می‌کردند تا حجم تخریب حملات اسرائیل علیه ایران را بیشتر از میزان واقعی نشان دهند. محور دیگری که این حساب‌ها دنبال می‌کردند، در پی این بود نشان دهد در میانه جنگ، مخالفت‌ها و اعتراض‌های ایرانیان علیه نظام سیاسی به خیابان‌ها کشیده شده. ۱۰۰ روز پس از پایان جنگ ایران و اسرائیل، آزمایشگاه «سیتزین‌لب» دانشگاه تورنتو در گزارشی تصریح کرده است یک شبکه هماهنگ متشکل از بیش از ۵۰ پروفایل جعلی در ایکس فارسی در حال انجام یک عملیات نفوذ با استفاده از هوش مصنوعی است. این شبکه روایت‌هایی را منتشر می‌کند که مخاطبان ایرانی را به شورش علیه جمهوری اسلامی ایران تحریک می‌کند. این گزارش نشان می‌دهد این شبکه از ویدئوهای ساخته هوش مصنوعی استفاده کرده تا همان هدفی که در گزارش بی‌بی‌سی آمده، محقق شود: «القای ترس» و «تحریک خشم». ویدئوهای ارزیابی شده این آزمایشگاه نشان می‌دهد در طول جنگ ۱۲ روزه، محورهایی مانند فرار مقامات و مدیران جمهوری اسلامی، کمبود آب، شعاردهی علیه مقامات، اختلال در صرافی‌ها و عدم سرویس‌دهی عابربانک‌ها، سوژه‌های ویدئوهای جعلی بوده است که در حساب‌های رسمی برخی رسانه‌های معارض مانند صدای آمریکا نیز بازتاب داشته است. این دست اقدامات همگی از جمله کارهایی است که در دستکاری افکار عمومی رواج دارد. دستکاری افکار عمومی به استناد گزارش دانشگاه جورج تاون به یک صنعت درآمدزا تبدیل شده که در پی القای پیام‌ها و گزاره‌هایی است که واقعیت ندارد اما صورت و سیمایی انسانی پیدا کرده. ۱۵ فوریه ۲۰۲۳ هاآرتص در گزارشی افشاگرانه از یک تیم سایبری به نام «خورخه» پرده برمی‌داشت که با هک، اخاذی و انتشار اطلاعات نادرست در انتخابات ۳۳ کشور مختلف دخالت می‌کند.

■ عصر جدید جنگ روانی به روایت نیویورک‌تایمز

۲ روز پیش از آنکه گزارش بی‌بی‌سی منتشر شود -۲۸ خرداد- یک وب‌سایت تحلیلی به نام «رادور» (Radware) از جنگی دیجیتال به موازات رد و بدل شدن موشک‌ها میان ایران و اسرائیل خبر داد و این جنگ را نمونه‌ای بارز از جنگ ترکیبی مدرن دانست که در آن، بایت‌ها و روایت‌ها به اندازه بمب‌ها و موشک‌ها مهم است. گزارش «رادور» همراهی عملیات سایبری و عملیات دستکاری را سبب تأثیرگذاری مضاعف هر دو دانسته است. بدین معنا که در زمان قطع اینترنت یا اخلال در ارتباط، اخبار جعلی، ترس بیشتری می‌سازد و باورپذیری پیام‌ها را افزایش می‌دهد؛ موضوعی که در جنگ ۱۲ روزه نیز آزمون شد. ۲۵ تیرماه ۳ چهره دانشگاهی و رسانه‌ای که در حوزه اخبار جعلی در یکی از دانشگاه‌های آمریکا تحقیق می‌کنند، در گزارشی در نیویورک‌تایمز بر جنگ اطلاعاتی و نفوذ دیجیتال در جنگ ۱۲ روزه ایران و اسرائیل تمرکز کردند. این مقاله، جنگ اطلاعاتی آنلاین را اتفاقاً بخشی از حوزه جنگ می‌داند که ارتش‌ها برای آن آماده نیستند.

نیویورک‌تامیز تأکید دارد اسرائیل از همان تاکتیک‌هایی که در میدان جنگ اوکراین آزموده شده، استفاده می‌کند و در تلاش است غیر از افکار عمومی، روحیه نظامیان را نیز تضعیف کند. در ایام جنگ ۱۲ روزه رضا پهلوی در تلاش بود همراه و همزمان با حساب‌های مرتبط با رژیم صهیونیستی، جنگ را علیه جمهوری اسلامی و نه مربوط به مردم ایران تصویر و ترسیم کند. همچون روزها و ماه‌های التهاب کشور در روزهای ناآرام نیمه دوم ۱۴۰۱، در ایام جنگ ۱۲ روزه نیز ویدئوهایی با تصاویر بسته و صداهای تغییریافته منتشر شد که ادعا می‌شد نظامیان ایرانی با دفاع مقابل حملات اسرائیل مخالفند(!) نیویورک‌تایمز رد ویدئوهای فیک را تا بعد از جنگ می‌گیرد و به ویدئویی توهین‌آمیز علیه سردار قاآنی می‌رسد که توسط یک فیلمساز اسرائیلی به نام «اویاتار روزنبرگ» به کمک هوش مصنوعی ساخته شده است.

■ القای قدرت و اشراف اسرائیل

مؤسسه هادسون، همان روزهای نخست جنگ ۱۲ روزه از عملیات فریب اسرائیل علیه ایران و کمپین‌های صهیونیست‌ها برای گمراه‌سازی دولت و ملت ایران که هم فضای عمومی و هم ذهن مسؤولان را نشانه می‌گرفت، نوشت. این گزارش تأکید می‌کند فریب نرم، نیروی عملیات سخت را چند برابر می‌کند و اختلال در ادراک موقعیت، نوع تصمیم‌گیری در لحظه را تغییر می‌دهد. در این منطق، بیش از آنکه میزان و حجم تجهیزات نظامی یا حملات هوایی به «فلج روانی» منجر شود، گسست فزاینده بین اظهارات مسؤولان و واقعیت‌های عملیاتی مؤثر است. آنچه شکست یا ضعف در میدان را منتقل می‌کند، در رسانه منعکس می‌شود. هادسون تأکید دارد اسرائیل در جنگ شناختی در نبرد خردادماه به دنبال بی‌ثباتی سیاسی ایران و فروپاشی سیستم متمرکز اداره‌کننده جمهوری اسلامی ایران بوده و گام نخست این هدف، اثبات کنترل اسرائیل بر ۲ بعد نظامی و روانی درگیری است. به نظر می‌رسد جنگ ۱۲ روزه، اهمیت رسانه و روایت را بیش از پیش برای طرفین اثبات کرده است.

۵ سال پیش مؤسسه اینترنت آکسفورد در گزارشی از راه‌اندازی تیم‌های سایبری در کشورهای مختلف خبر داده بود. استفاده از الگوریتم‌ها، فرآیندهای خودکار و کلان‌داده برای ساخت واقعیت بر اساس تکنیک‌هایی مانند جعل، دستکاری و فریب، اکنون در بیش از ۷۰ کشور جهان در جریان است. ۲ سال پیش آسوشیتدپرس در گزارشی تصریح کرد به‌رغم آنکه چین و روسیه به دستکاری در افکار عمومی مشهور شده‌اند اما واقعیت این است که اکنون اسرائیل با نفوذ به کمپین‌های انتخاباتی، انتشار شایعه، انتشار اغراق‌آمیز اطلاعات، حملات سایبری، مارپیچ سکوت (ترس از انزوای اجتماعی)، اکثریت‌نمایی و تخریب شخصیت، به یک بازیگر فعال این حوزه تبدیل شده است. ارتش جعل و تحریف اسرائیل، در جنگ ۱۲ روزه نتوانست مطالبات و خواسته‌هایی ایرانیان را به سکویی برای حمایت از جنگ و کشتار تبدیل کند. مرور آنچه در این جنگ تجربه شد، به همراه پایش فنی و رصد مستند فعالیت حساب‌های کاربری و رسانه‌های اجتماعی می‌تواند پیش‌درآمد مقابله شناختی با اسرائیل باشد.

خبر جاسوسی از رئیس سابق ستاد ارتش و وزیر امنیت داخلی رژیم صهیونیستی چه واقعیتی را به تصویر می‌کشد؟

خانه ناامن بن‌گویر

طی ۲ سال گذشته، اسرائیل با موجی بی‌سابقه از جاسوسی صهیونیست‌ها برای ایران مواجه شده است که نه‌تنها متوقف نشده، بلکه به شکلی نگران‌کننده برای این رژیم، تشدید یافته است. گزارش‌هایی که اخیرا توسط اورشلیم‌پست، تایمز اسرائیل و حتی سی‌ان‌ان منتشر شده، بخوبی نشان می‌دهد این فعالیت‌ها به لایه‌های مختلف جامعه اسرائیل، از سربازان ذخیره ارتش گرفته تا اعضای فرقه‌های مذهبی و کارگران عادی نفوذ کرده است. این بحران، ادعای صهیونیست‌ها مبنی بر وجود یک جامعه یکدست و همگن را به چالش کشیده و شکاف‌های عمیق اجتماعی، اقتصادی و امنیتی را آشکار کرده است. اورشلیم‌پست اخیرا در گزارشی به پرونده «یعقوب پرل» شهروند ۴۹ ساله اسرائیلی - آمریکایی و عضو فرقه حسیدی ساتمار پرداخته که به اتهام جاسوسی برای ایران در دادگاه منطقه‌ای تل‌آویو محاکمه شده است. پرل که سال‌ها در مراکش زندگی می‌کرد، به دلیل باورهای مذهبی ضدصهیونیستی خود، از طریق تلگرام با مأموران ایرانی ارتباط برقرار کرد. او وظایف حساسی مانند جمع‌آوری اطلاعات از محل اقامت هرتزی هالوی، رئیس سابق ستاد کل ارتش اسرائیل و ترتیب‌های امنیتی خانه ایتامار بن‌گویر، وزیر امنیت قومی رژیم صهیونیستی را انجام داده و حداقل ۱۵۰۰۰ دلار دریافت کرده است. نکته قابل توجه، ابتکار عمل پرل در تماس با طرف ایرانی و اصرارش برای استخدام حتی پس از رد اولیه است! طبق گزارش رسانه صهیونیستی، پرل به همکاری با ایران افتخار می‌کرد و به ماموران رژیم صهیونیستی می‌گفت حتی از زندان به تلاش برای استخدام افراد برای آسیب به امنیت اسرائیل ادامه خواهد داد.

همچنین تایمز اسرائیل در گزارشی مرتبط، به گسترش این فعالیت‌ها به اقشار مختلف، از جمله سربازان ارتش اشاره و تأیید می‌کند جاسوسی دیگر به گروه‌های حاشیه‌ای محدود نیست.

این رسانه صهیونیستی اخیرا در گزارشی از جاسوسی «مائور کرینگل» سرباز ذخیره ۲۷ ساله ارتش صهیونیستی خبر داده است که از اواسط ۲۰۲۴ تا زمان دستگیری‌اش در ماه آگوست ۲۰۲۵ برای ایران جاسوسی می‌کرد. بنا بر اذعان این رسانه، کرینگل از دسترسی خود به اطلاعات نظامی استفاده و مکان پایگاه‌های نظامی و مقر شین‌بت را به مأموران ایرانی منتقل کرده است. او همچنین اسنادی از بنادر، مراکز خرید، خانه‌های شخصی و ساختمان‌های دولتی را به ایران ارائه داده است. نکته جالب توجه آنکه کرینگل، خودش شخصا «تال عمرم» شهروند ۲۶ ساله صهیونیست را نیز برای جاسوسی استخدام کرده بود. تایمز اسرائیل همچنین به دستگیری فردی ۲۳ ساله در هتلی در دریای مرده اشاره کرده که به اتهام عکاسی از محوطه هتل برای ایران دستگیر شد. هفته گذشته رسانه آمریکایی سی‌ان‌ان به تلاش‌های گسترده ایران برای استخدام صهیونیست‌ها پرداخت و گزارش داد صدها نفر در سرزمین اشغالی، تماس‌هایی از سرویس اطلاعاتی ایران دریافت کرده‌اند؛ تماس‌هایی با صدای رباتیک که پیشنهاد «حقوق رقابتی و امنیت کامل» ارائه می‌دهد. در همین رابطه «عودد علام» مقام سابق موساد، به سی‌ان‌ان گفت ایران استراتژی «گستردن دام» را دنبال می‌کند و با پیام‌های انبوه در تلگرام افراد را هدف قرار می‌دهد.

تایمز اسرائیل و اورشلیم‌پست نیز این الگو را تأیید کرده و گزارش داده‌اند استفاده از تلگرام برای جذب جاسوسان به یک روش رایج تبدیل شده است. بنابر گزارش سی‌ان‌ان، از زمان آغاز جنگ ۷ اکتبر، شین‌بت و پلیس اسرائیل حداقل ۲۵ پرونده جاسوسی مرتبط با ایران را بررسی کرده‌اند که منجر به ۴۶ دستگیری شده است.

بحران جاسوسی برای ایران، حالا به اقشار مختلف جامعه اسرائیل نفوذ کرده و تنوع متهمان، عمق این تهدید را نشان می‌دهد. «مائور کرینگل» سرباز ذخیره ۲۷ ساله، نمونه‌ای بارز از نفوذ ایران به ارتش صهیونیستی است. هرچند پیش از این نیز دست‌کم چند سرباز ارتش رژیم که از قضا در مکان‌های حساس مشغول فعالیت بوده‌اند، به جرم جاسوسی برای ایران بازداشت شده بودند.

همچنین با توجه به گزارش‌های موجود، افرادی از فرقه‌های مذهبی ارتدکس نیز در حال حاضر به اتهام انجام جاسوسی برای طرف ایرانی، دادگاهی شده و در زندان به سر می‌برند.

این تنوع - چنانکه تایمز اسرائیل و سی‌ان‌ان تأیید کرده‌اند - نشان‌دهنده توانایی بالای ایران در نفوذ به لایه‌های مختلف جامعه اسرائیل است. رژیم صهیونیستی اقداماتی مانند هشدارهای عمومی، نظارت بر فعالیت‌های آنلاین و ایجاد بخش جدیدی در زندان دامون حیفا برای نگهداری جاسوسان ایران را انجام داده است. با این حال، این اقدامات نتوانسته جلوی گسترش بحران جاسوسی در سرزمین اشغالی را بگیرد. طبق گزارش رسانه‌های عبری زبان، ایران با استفاده از تماس‌های تلفنی و پیام‌های انبوه در تلگرام، براحتی افراد را جذب کرده است؛ بحران روزافزونی که مشخصا نشان‌دهنده شکست اسرائیل در ایجاد وفاداری در میان جامعه صهیونیست است. البته تعداد موارد گزارش‌شده توسط شین‌بت و پلیس اسرائیل تنها بخشی از واقعیت و نوک کوه یخ است. این گزارش‌ها صرفاً مواردی را شامل می‌شود که به طور عمومی اعلام شده‌اند. با توجه به ماهیت مخفی فعالیت‌های جاسوسی، احتمالا تعداد قابل توجهی از افراد همچنان در حال همکاری با ایران هستند یا فعالیت‌های‌شان هنوز کشف نشده است. این موضوع، ابعاد فاجعه‌بار بحران را برجسته می‌کند و نشان می‌دهد تهدید جاسوسی ایران بسیار گسترده‌تر از چیزی است که در رسانه‌ها گزارش می‌شود.

از طرف دیگر، جاسوسی شهروندان اسرائیلی برای ایران، ادعای صهیونیست‌ها مبنی بر وجود یک جامعه یکدست را به چالش می‌کشد. جاسوسی صهیونیست‌ها برای ایران از چند جهت حائز اهمیت است. صهیونیست‌ها همواره مدعی بوده‌اند جامعه‌ای همگن با آرمان‌های مشترک ساخته‌اند اما این بحران نشان‌دهنده وجود شکاف‌های عمیق در این ادعاست؛ چه آنکه افرادی از اقشار مختلف جامعه اسرائیل، حاضر شده‌اند برای مبالغ اندک، امنیت و آرمان‌های صهیونیستی را زیر پا بگذارند. این موضوع حتی در زمان‌های حساس، مانند آنچه در جریان جنگ ۱۲ روزه رخ داد، مشهود است؛ زمانی که رژیم صهیونیستی از کشف چند مورد جاسوسی که اطلاعات مراکز و پایگاه‌های نظامی، از جمله نواتیم را به ایران ارسال می‌کردند خبر داد. در این میان، یکی از نگران‌کننده‌ترین جنبه‌های این بحران برای رژیم صهیونیستی، هدف‌گیری مقامات ارشد اسرائیلی است. «یعقوب پرل» به طور خاص محل اقامت هرتزی هالوی، رئیس سابق ستاد کل ارتش و ترتیب‌های امنیتی خانه ایتامار بن‌گویر، وزیر امنیت قومی را تحت نظر داشته و در این حوزه اقدام به جاسوسی برای ایران کرده است. مورد آشکاری که بدون شک نشان‌دهنده عمق نفوذ ایران در اسرائیل و توانایی دسترسی به اطلاعات حیاتی رژیم است. بحران جاسوسی اسرائیلی‌ها برای ایران، چنانکه اورشلیم‌پست، تایمز اسرائیل و سی‌ان‌ان گزارش داده‌اند، نه‌تنها نشانه ضعف‌های امنیتی رژیم صهیونیستی است، بلکه ادعای انسجام اجتماعی آن را به سخره می‌گیرد. این بحران، پیش و بیش از هر موضوع دیگری، توانایی ایران در نفوذ به جامعه اسرائیل را نشان می‌دهد؛ آن هم در شرایطی که تلاش‌های اسرائیل برای مهار این تهدید ناکام مانده و وجود موارد کشف‌نشده، ابعاد فاجعه‌بار این بحران را تشدید هم می‌کند.

سید قائد در نگاه حزب‌الله

«قائد» از ریشه «ق - و - د» است؛ یعنی کسی که از جلو راه می‌برد و هدایت می‌کند. فرقش با «سائق» هم همین است: سائق از پشت می‌راند اما قائد پیشاپیش می‌رود و دیگران را با خود همراه می‌کند. در حزب‌الله وقتی کسی نام «سید قائد» را به زبان می‌آورد، همه می‌دانند منظور کیست: آیت‌الله خامنه‌ای. حضرت آیت‌الله خامنه‌ای برای حزب‌الله فقط رهبر سیاسی یک کشور دیگر در محور مقاومت نیست؛ رهبر معنوی و استراتژیست مقاومت است. نقش ایشان فراتر از مرجعیت فقهی یا حمایت سیاسی صرف است. در نگاه حزب‌الله، ایشان هدایتگر سیاست منطقه‌ای است؛ کسی که در لحظه‌های بحران، جهت‌گیری کلان مقاومت را روشن می‌کند. رابطه تهران - حزب‌الله از جنس یک پیمان نظامی نیست، بلکه یک مسیر ایدئولوژیک مشترک است؛ نگاه حزب‌الله به آیت‌الله خامنه‌ای یعنی نگاه به افقی فراتر از تاکتیک‌ها، به کسی که قواعد کلی میدان را تعریف می‌کند و راهبری آن را به عهده دارد.

■ کارکرد نمادین

بین حزب‌الله تصویر آیت‌الله خامنه‌ای آنقدر پررنگ است که گاهی فراموش می‌کنی در ایران نیستی. در تجمع‌ها، آرامگاه شهدا، خانه خانواده شهدا، حتی تصاویر گرافیکی در کوچه و خیابان؛ قاب عکس آیت‌الله خامنه‌ای معمولاً تنها نیست؛ اغلب کنار عکس‌های شهید سیدحسن نصرالله و امام موسی صدر قرار دارد. این همجواری اتفاقی نیست. برای حزب‌الله، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای ادامه همان مسیری است که امام موسی صدر آن را آغاز کرد: بیرون کشیدن شیعیان از حاشیه و رساندن‌شان به منزلت، ساختن نهادهای مستقل و گره زدن حیات جمعی‌شان به آرمانی به نام مقاومت. این قاب‌های کنار هم در حقیقت یک روایت تاریخی را در برمی‌گیرند: آغاز، تثبیت و استمرار.

■ خوانش داخلی حزب‌الله

آیت‌الله خامنه‌ای برای اعضا و دوستداران حزب‌الله نماد مقاومت اسلامی منطقه است؛ کسی که هم نظریه نهضت را تبیین می‌کند و هم پشتیبانی عملی و دیپلماتیک را تضمین کرده است و هم در مواقع لزوم در میدان، مبارزه را رهبری می‌کند. برای همین در بیانیه‌ها و مناسبت‌ها، نام او بخشی از هویت حزب است که پس از نام امام خمینی و پیش از نام سیدحسن نصرالله می‌آید. من در سالگرد شهادت سیدحسن نصرالله - که حالا در لبنان به درست سیدالشهدای امت اسلام صدایش می‌زنند - این پیوند را از نزدیک دیدم. هر زمان که می‌فهمیدند ایرانی‌ام، لبخند می‌زدند و با احترام گفتند: «خدا طول عمر سید قائد را زیاد کند. ما برای سلامتی ایشان دعا می‌کنیم». در مراسم روز سالگرد شهادت سیدحسن، زنی کنارم نشسته بود؛ آرام و زیر لب، گاهی با خودش تکرار می‌کرد: «لبیک یا خامنه‌ای». این زمزمه بیشتر از آنکه شعار باشد، نجوایی از دل به نظر می‌رسید. درباره زمزمه‌اش که پرسیدم، گفت: «چشم امید ما به سیدالقائد است». در حزب‌الله آیت‌الله خامنه‌ای نشانه اطمینان به تداوم راه مقاومت است.

■ حد و مرز اقتدار

حزب‌الله رهبری و ساختار مستقل خود را دارد اما نگاه به سید قائد یعنی تکیه بر یک مرجع راهبردی و معنوی که وزن سیاسی و نمادین بالایی دارد. همین نگاه است که امروز حزب‌الله را قادر کرده بدون احساس بازندگی بگوید: «لن نترک سلاح». فشارها و شهادت‌ها نتوانسته‌اند این باور را بشکنند، چون آنان یقین دارند راه‌شان جلوتر از افراد، به «قائد» و به آرمان الهی گره خورده است. همین انطباق معنای لغوی و معنای عملی است که لقب «قائد» را برای آیت‌الله خامنه‌ای معنا می‌کند: او کسی است که جلوتر می‌رود، راه را نشان می‌دهد و حزب خدا را با خود همراه می‌کند.

پایان آتش‌بس هسته‌ای

گروه سیاسی: یک ماه نشده، توافق هسته‌ای قاهره میان ایران و آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به هم خورد. ۱۸ شهریور ۱۴۰۴، در میان اخبار و حواشی حمله اسرائیل به قطر برای ترور سران حماس که برای گفت‌وگوهای آتش‌بس در نوار غزه آماده می‌شدند، ناگهان خبری یک‌خطی و تصویری از وزرای خارجه ایران و مصر و مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی منتشر شد. اگرچه این توافق، یک چارچوب فنی موقت برای از سرگیری بازرسی‌ها و نظارت بر برنامه هسته‌ای ایران پس از حملات نظامی اسرائیل و آمریکا به تأسیسات نطنز، فردو و اصفهان در جنگ ۱۲ روزه را در بر می‌گرفت اما از همان ابتدا بر بازگشت محدود بازرسان و تهیه گزارش ویژه درباره مواد هسته‌ای (از جمله ۴۴۱ کیلوگرم اورانیوم غنی‌شده ۶۰ درصد) تمرکز داشت تا فعال‌سازی مکانیسم ماشه را به تعویق اندازد. گروسی، توافق را «گام مهمی در جهت درست» برای همکاری فنی خواند و دبیرکل سازمان ملل نیز از آن استقبال کرد. کایا کالاس، مسؤول سیاست خارجی اتحادیه اروپایی هم این توافق را «گامی کلیدی برای دیپلماسی هسته‌ای» خواند و اجرای سریع آن را خواستار شد. اندیشکده انگلیسی چتم‌هاوس این گام را ناقص دانست و روی ابهامات متن دست گذاشت. از جمله کوشش برای تطبیق توافق با مصوبه مجلس شورای اسلامی که هر گونه تعامل با آژانس انرژی هسته‌ای را منوط به ۲ شرط «تأمین امنیت مراکز و دانشمندان هسته‌ای» و «رعایت کامل حقوق ذاتی جمهوری اسلامی ایران در بهره‌مندی از کلیه حقوق مصرح در ماده ۴ معاهده منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای بویژه غنی‌سازی اورانیوم» دانسته بود.

مرجع تشخیص هر ۲ شرط در قانونی که ۱۱ تیر ۱۴۰۴، رئیس مجلس به رئیس‌جمهور ابلاغ کرد، شورای عالی امنیت ملی دانسته شد. چهارم مهر، علی لاریجانی، دبیر شورای عالی امنیت ملی در گفت‌وگوی اختصاصی با برنامه «فرانت‌لاین» شبکه «پی‌بی‌اس» آمریکا اعلام کرد اگر تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران دوباره اعمال شود، ایران همکاری خود با آژانس بین‌المللی انرژی اتمی را به طور کامل متوقف خواهد کرد. علاوه بر تفسیرپذیری بالای متن، وابستگی تعهدات به مؤلفه‌های متعدد نیز سویه دیگر انتقاد از توافق بود. عراقچی و گروسی آشکارا ۲ روایت متضاد از آنچه امضا کرده بودند، ارائه کردند تا جایی که وزیر امور خارجه در گفت‌وگو با شبکه خبر این تضاد یا اختلاف روایت درباره میزان دسترسی بازرسان یا گزارش‌دهی از وضعیت تأسیسات بمباران‌شده را طبیعی دانست اما آشکار بود دیپلماسی لحظه آخری ایران برای عدم فعال‌سازی مکانیسم ماشه که در نشست مجمع عمومی سازمان ملل هم پیگیری شد، یک فرصت مبهم است که پایدارسازی آن بسیار دشوار است. بدون تغییر در مواضع ۳ کشور اروپایی و البته آمریکا که غنی‌سازی صفر را طلب می‌کند، همچنان بی‌اعتمادی تداوم خواهد داشت. همان چیزی که سیدعباس عراقچی در نشست دیروز با سفرا، کارداران و روسای نمایندگی‌های خارجی و بین‌المللی مقیم تهران به آن اشاره کرد: «۳ کشور اروپا گمان می‌کردند اهرم فشار تازه‌ای در دست دارند و با تهدید به اجرای آن می‌توانند ایران را تحت فشار بگذارند اما حالا که آن را به کار گرفته‌اند، نتیجه را دیده‌اند؛ هیچ تغییری در وضعیت ایجاد نشد و هیچ مشکلی حل نگردید؛ تنها دستاوردشان تضعیف مسیر دیپلماسی بود». اما پرسش این است: آیا با گفتن اینکه «توافق قاهره دیگر کارایی ندارد»، آثار و پیامدهای مذاکرات قاهره و نیویورک از بین خواهد رفت؟ آیا فرصتی که ایران در آخرین لحظه پدید آورد، به تهدیدی تازه تبدیل نخواهد شد؟